

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۱۹ دسمبر ۲۰۲۳

«دایه نظیفه بدرود گفتند حیات را»

نماد عواطف بود

به زیبایی و بلندی آبیذر

زالال به زلالی آب رودخانه های آن دیار

بزرگ بود

آنقدر بزرگ که پرنده شد گرفت اوج

اما با پر و بالی شکسته ..

*روز پنجشنبه ۲۳ آذر ماه-قوس- ۱۴۰۲ «دایه نظیفه» مادر جانباختگان راه آزادی و سوسیالیزم «رحمت ترقی» و «هرمز ترقی» و «ماریا ترقی» بر اثر بیماری بدرود حیات گفتند...

بعد از ظهر پنجشنبه ۲۳ آذر-قوس- در میان جمعیت انبوهی بدور از تفکیک جنسیتی ایشان را، در روستای «اره نان» در حومه شهر سمنج در کنار آرامگاه مبارز جانبخته «هرمز ترقی» و همسرشان «لطف الله ترقی» به خاک سپردند.

نمی توان از دایه نظیفه براحتی نوشت از زنی که هیچ وقت جمهوری اسلامی را به رسمیت نشناخت و در این راه بهای بس گرانی پرداخت.

دایه نظیفه نماد شجاعت و بردباری و برابری طلب چهره محبوب و دوست داشتنی بود.

مردمی که شاهد مقاومت و اراده آهنین «دایه نظیفه» و همسرشان بودند ایشان را در قلب و ذهن خود ثبت کردند.

لازم به ذکر است که «لطف الله ترقی» در نهم فروردین -حمل- ۱۳۸۹ بر اثر ایست قلبی چشم از جهان فرو بست.

* آقای ترقی یکی از چهره های فرهنگی شناخته شده بود، جدا از این که یک معلم دلسوز و آگاه، یکی از چهره های مقاومت و جسور در مقابل جمهوری اسلامی و سمبل فداکاری بودند.

از مردم کردستان پوشیده نیست که آقای ترقی در غم فرزندان سوخت و در تقابل با جمهوری اسلامی کوتاه نیامد.

دایه نظیفه و آقای ترقی نه تنها انسانهای خوش نام و نشان، دوست داشتنی بلکه زبان زد خاص و عام بودند.

دایه نظیفه که آوازه فداکاری او پر از ناگفته های شنیدنی است برای مردمی که به رفتار و کردار او آگاهی داشتند با قطره های اشک به یاد او، به یاد فرزندان او، به یاد بستگان او یاد می کنند.

قطعاً نام ترقیها برای همیشه به عنوان آزاد اندیشان و مبارزان راه آزادی، به عنوان انسانهای برابری طلب، در قلب مردم آن دیار باقی خواهد ماند.

«دایه نظیفه و سه فرزند جانبخته اش»

*رحمت ترقی عضو کومه له و حزب کمونیست ایران روز ۲۵ مهر ماه -میزان- سال ۱۳۶۵ در جریان نبرد پیشمرگان کومه له بامزدوران جمهوری اسلامی در روستای "درویان فارس" به قافله رزمندگان جانبخته راه آزادی و سوسیالیزم پیوست.

یکی از همراهان ایشان می گفت: "گاه پیش می آمد لحظه ای از تلاش و فعالیت باز نمی ایستاد، احساس می کردی که اصلاً خستگی را نمی شناسد"

رحمت یکی از فعالان پرکار و توانای کمونیستی بود که در زمینه های مختلف مبارزه سیاسی فعالیت گسترده داشت. *ماریاترقی در سال ۶۱ دستگیر بعد از شکنجه های سخت وحشیانه تیرباران شد که محل دفن ایشان مشخص نیست.

*هرمز ترقی که ۲۴ سال بیشتر نداشت در ۱۱ خرداد-جوزا- ۱۳۶۲ در روستای "اره نان" در حالی که همراه چندتن از پیشمرگان کومه له سرگرم مأموریت بود بانبروهای جمهوری اسلامی درگیر یک جنگ سخت و نابرابر شد و زخمی گردید. مزدوران جمهوری اسلامی که فکر می کردند هرمز را زنده اسیر کردند هیجانزده به هرمز نزدیک شدند هرمز در حالی که در محاصره بود و برای این که به دست مزدوران جمهوری اسلامی نیفتد، نارنجکی را منفجر کرد که باعث جانبختن خود و کشتن دو مزدور و زخمی شدن چند مزدور دیگر گردد. مأموران جمهوری اسلامی که فاقد هرگونه اخلاقیات انسانی هستند برای زهره چشم گرفتن از مردم جسد هرمز را به ماشین بستند و در روستا گرداندند. که با مبارزه زنان "اره نان" روبه رو شدند که جسد هرمز را از چنگ جنایکاران در آورند و در همانجا توسط مردم طی مراسم خاصی به خاک سپرده شد. که به درگیری مردم و مأموران کثیف جمهوری اسلامی انجامید.

بستگان خانواده ترقی

*احمدشعبانی یکی از انقلابیوان کمونیست برجسته اوایل دهه ۵۰ بود که مبارزات بی وقفه ای را علیه نظام سلطنت (تشکیلات مخفی کومه له در آن دوران) و بعد از انقلاب (تشکیلات مخفی کومه له) علیه رژیم اسلامی در دستور کارش داشت.

احمد شعبانی مسئول تشکیلات مهاباد در ده فروردین-حمل- سال ۱۳۵۹ توسط مزدوری به نام حسن فرزندرحمان هه لبه زه شناسائی، و به دست جنایتکاران جمهوری اسلامی دستگیر و بعد از ۳ روز اعدام شد

*عبدالله (حسن) برادر احمد شعبانی یکی از فعالان پرکار و توانا در عرصه نظامی بود، همچنین یکی از اولین پیشمرگان کومه له بود. رفیق عبدالله معروف به حسن یکی از فرماندهان نظامی برجسته کومه له بود که در دوم شهریور -سنبله- ۱۳۶۳ در منطقه قلخانی در استان کرمانشان در محاصره نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت و تا آخرین نفس همراه بانۀ نفر از رفقاییش در یک درگیری سخت و نابرابر جانبخت.

*مظفر لاهورپور از فعالان و مؤسسان شواری محلات در شهر سنجند و یکی از مسئولین سیاسی گردان شوان در ناحیه سنجند، متأسفانه در اطراف شهر سنجند در سال ۱۳۶۲ همراه چند رفیقش در خانه ای تحت محاصره قرار گرفت و جان باخت.

برای بازماندگان دایه نظیفه آرزوی صبوری می کنم اگر هیچ تسلیتی نمی تواند برای بازماندگان تسلی درد باشد